

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادبیات عرب آسان

(صرف و نحو)

مؤلف

سید محمد حسن روناسی

انتشارات چتر دانش

عنوان و نام پدیدآور	روانسی، سیدمحمدحسن، ۱۳۷۴ -
مشخصات نشر	ادبیات عرب آسان (صرف و نحو) / مولف سیدمحمدحسن روناسی.
مشخصات ظاهري	تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰۵-۴۷-۷
موضوع	وضعیت فهرست نویسی : فیبا
زبان عربی -- صرف و نحو	زبان عربی -- صرف و نحو -- راهنمای آموزشی
ردہ بندی کنگره	Arabic language -- Morphosyntax
ردہ بندی دیوبی	Arabic language -- Morphosyntax -- Study and teaching
شماره کتابشناسی ملی	۸۶۹۰۶۴۸ :
اطلاعات کورد کتابشناسی	اطلاعات کورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب	ادبیات عرب آسان (صرف و نحو)
ناشر	چتر دانش
مؤلف	سیدمحمدحسن روناسی
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۴۰۱
شمارگان	۵۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰۵-۴۷-۷
قیمت	۱۴۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمنیری جاوید(اردبیهشت شمالی)، پلاک ۸۸
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - ۶۶۴۰۲۳۵۳
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، بهمنزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزوای هستند که طی سالیان متعددی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاوردهای آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشنان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۱۸	باب اول: اسم
۱۸	بخش اول: درآمدی بر اسم.....
۲۳	فصل اول: تقسیم‌بندی اسم از نظر جنس.....
۲۵	فصل دوم: تقسیم‌بندی اسم از جهت تعداد.....
۳۱	فصل سوم: تقسیم‌بندی اسم از جهت تصریف.....
۳۴	بخش دوم: اسم معرفه و نکره.....
۳۵	فصل اول: ضمائر.....
۴۱	فصل دوم: اسم اشاره.....
۴۴	فصل سوم: اسم موصول.....
۴۸	فصل چهارم: معرفه به ال.....
۴۸	فصل پنجم: اضافه.....
۵۰	فصل ششم: اسم عَلَم (خاص).....
۵۱	بخش سوم: اسم جامد و مشتق.....
۵۱	فصل اول: اقسام اسم جامد.....
۵۲	فصل دوم: اقسام اسم مشتق.....
۵۳	گفتار اول: اسم فاعل.....
۵۴	گفتار دوم: اسم مفعول.....
۵۶	گفتار سوم: اسم زمان و مکان.....
۵۸	گفتار چهارم: اسم تفضیل.....
۵۹	گفتار پنجم: صفت مشبهه.....
۶۰	گفتار ششم: صيغه مبالغه.....
۶۱	گفتار هفتم: اسم آلت (اسم ابزار).....
۶۲	گفتار هشتم: تصعیر و نسبت.....

باب دوم: معرب و مبني	63
بخش اول: اقسام بناء	66
بخش دوم: اعراب و انواع آن	68
فصل اول: اعراب ظاهري و اقسام آن	68
گفتار اول: اسم مثنى	69
گفتار دوم: جمع مذكر سالم	70
گفتار سوم: اسماء خمسه	70
گفتار چهارم: جمع موئث سالم	72
گفتار پنجم: اسم غير منصرف	72
گفتار ششم: مضارع مجزوم ناقص	73
فصل دوم: اعراب تقديرى و اقسام آن	73
گفتار اول: اسم مقصور	74
گفتار دوم: اسم منقوص (فقط در حالت رفع و جر)	75
فصل سوم: اعراب محلى	77
گفتار اول: فعل مضارع مرفاع	77
گفتار دوم: فعل مضارع منصوب	78
گفتار سوم: فعل مضارع مجزوم	80
باب سوم: اقسام جمله	86
بخش اول: جمله اسميه	86
فصل اول: انواع خبر	87
گفتار اول: خبر مفرد	87
گفتار دوم: خبر جمله	88
گفتار سوم: خبر شبه جمله (جار و مجرور - ظرف)	89

۹۰	فصل دوم: موارد تقدم خبر بر مبتدا.....
۹۱	بخش دوم: جمله فعلیه
۹۲	فصل اول: فاعل
۹۷	فصل دوم: مفعول [ّ] به.....
۹۸	فصل سوم: افعال قلوب
۹۹	فصل چهارم: فعل لازم و متعدی.....
۱۰۰	فصل پنجم: اغراء و تحذیر
۱۰۴	فصل ششم: فعل مجھوں
۱۰۸	فصل هفتم: مفعول مطلق
۱۰۸	گفتار اول: مفعول مطلق تأکیدی
۱۰۹	گفتار دوم: مفعول مطلق نوعی (بیانی)
۱۰۹	گفتار سوم: مفعول مطلق عددی
۱۱۰	گفتار چهارم: موارد جانشین مفعول مطلق
۱۱۳	فصل هشتم: مفعول [ّ] له (مفعول لأجله)
۱۱۵	فصل نهم: مفعول [ّ] فيه
۱۱۸	فصل دهم: مفعول معه
۱۱۹	فصل یازدهم: تمییز
۱۱۹	گفتار اول: تمییز مفرد
۱۲۰	گفتار دوم: تمییز نسبت
۱۲۰	گفتار سوم: موارد تشخیص تمییز جمله
۱۲۴	فصل دوازدهم: مستثنی
۱۲۵	گفتار اول: مستثنای تام
۱۲۵	گفتار دوم: مستثنای مفرغ
۱۳۱	فصل سیزدهم: منادی

۱۳۱.....	گفتار اول: منادای عَلَم (خاص)
۱۳۲.....	گفتار دوم: منادای نکره مقصوده
۱۳۳.....	گفتار سوم: منادای مضاف
۱۳۸.....	فصل چهاردهم: اشتغال
۱۴۰.....	فصل پانزدهم: حال
۱۴۰.....	گفتار اول: حال مفرد
۱۴۱.....	گفتار دوم: حال جمله
۱۴۵.....	فصل شانزدهم: اعداد
۱۵۰.....	فصل هفدهم: توابع
۱۵۰.....	گفتار اول: نعت
۱۵۱.....	گفتار دوم: تأکید
۱۵۲.....	گفتار سوم: بدل
۱۵۳.....	گفتار چهارم: عطف
۱۵۵	باب چهارم: فعل
۱۵۵.....	بخش اول: درآمدی بر فعل.
۱۵۶.....	بخش دوم: فعل ماضی
۱۵۸.....	بخش سوم: فعل مضارع
۱۶۰.....	بخش چهارم: فعل نهی
۱۶۲.....	بخش پنجم: فعل امر
۱۶۴.....	بخش ششم: فعل مستقبل
۱۶۵.....	بخش هفتم: فعل مزید و مجرد
۱۶۵.....	فصل اول: ثلاثی مجرد
۱۶۵.....	فصل دوم: ثلاثی مزید

۱۶۹.....	گفتار اول: باب افعال
۱۷۰.....	گفتار دوم: باب مفاعله
۱۷۱.....	گفتار سوم: باب تفعیل
۱۷۲.....	گفتار چهارم: باب‌های تفأّعْل و تَفَعْل
۱۷۲.....	گفتار پنجم: باب‌های افعال و انفعال
۱۷۳.....	گفتار ششم: باب استفعال
۱۷۴.....	فصل سوم: فعل‌های رباعی مجرد
۱۷۵.....	بخش هشتم: نواخ
۱۷۵.....	فصل اول: افعال ناقصه
۱۷۷.....	فصل دوم: حروف مشبهه بالفعل
۱۷۹.....	فصل سوم: افعال مقاربه
۱۸۰.....	فصل چهارم: «لا» ی نفي جنس
۱۸۲.....	بخش نهم: فعل صحيح و معتل
۱۸۲.....	فصل اول: فعل صحيح
۱۸۲.....	گفتار اول: مضاعف
۱۸۵.....	گفتار دوم: فعل مهموز
۱۸۷.....	گفتار سوم: فعل سالم
۱۸۷.....	فصل دوم: فعل معتل
۱۸۹.....	گفتار اول: اعلال در فعل مثال (معتل الفاء)
۱۹۰.....	گفتار دوم: اعلال در فعل اجوف (معتل العين)
۱۹۱.....	گفتار سوم: اعلال در فعل ناقص (معتل اللام)
۱۹۳.....	گفتار چهارم: فعل لفیف (معتل الفاء و معتل اللام - معتل العین و معتل اللام)....
۱۹۴.....	بخش دهم: اسلوب تعجب
۱۹۷.....	بخش یازدهم: اسلوب مدح و ذم

باب پنجم: علوم بلاغی	۲۰۵
بخش اول: علم معانی	۲۰۹
گفتار اول: کلام خبری	۲۱۰
گفتار دوم: ادوات تاکید	۲۱۱
بخش دوم: علم بیان	۲۱۲
فصل اول: تشبيه	۲۱۲
گفتار اول: ارکان تشبيه	۲۱۲
گفتار دوم: ادوات تشبيه	۲۱۳
گفتار سوم: اقسام تشبيه	۲۱۳
فصل دوم: مجاز	۲۱۴
گفتار اول: علاوه‌های مجاز	۲۱۵
گفتار دوم: مجاز عقلی	۲۱۹
فصل سوم: استعاره	۲۲۱
گفتار اول: انواع استعاره	۲۲۱
فصل چهارم: کنایه	۲۲۳
گفتار اول: انواع کنایه	۲۲۴
بخش سوم: علم بدیع	۲۲۶
فصل اول: جناس	۲۲۶
گفتار اول: انواع جناس	۲۲۶
فصل دوم: سجع	۲۲۷
فصل سوم: طباق	۲۲۷
باب ششم: نکاتی در باب ترجمه	۲۲۹
گفتار اول: خطبه بدون نقطه مولانا امیرالمؤمنین علیہ السلام	۲۴۲

۲۴۷.....	گفتار دوم: خطبه بدون الف سیدنا امیرالمؤمنین علیہ السلام
۲۵۸.....	گفتار سوم: خطبه دوم نهج البلاغه
۲۵۹.....	گفتار چهارم: خطبه سوم نهج البلاغه
۲۶۳.....	گفتار پنجم: خطبه ششم نهج البلاغه
۲۶۴.....	گفتار ششم: خطبه هفتادوسم نهج البلاغه
۲۶۴.....	گفتار هفتم: خطبه شقصیه نهج البلاغه
۲۶۶	باب هفتم: تجزیه و ترکیب
۲۶۶.....	گفتار اول: نکات کلی در باب تجزیه و ترکیب
۲۶۷.....	گفتار دوم: نکاتی در مورد ترکیب کلمات که می‌توان به عنوان یک قانون کلی از آنها یاد کرد
۲۶۸.....	گفتار سوم: نکاتی در حوزه افعال
۲۷۰	گفتار چهارم: در مورد أسماء
۲۷۲.....	گفتار پنجم: در مورد ترکیب
۲۸۱.....	گفتار ششم: دعای سلامتی قطب عالم وجود حضرت صاحب الامر و الزمان صفات الله و سلامه علیه
۲۸۳.....	گفتار هفتم: دعای فرج امام زمان علیه السلام
۲۸۹.....	گفتار هشتم: سوره حمد
۲۹۶.....	گفتار نهم: آیات ولایت
۳۳۳.....	گفتار دهم: نمودارهای جمع بندی
۳۴۰	گفتار یازدهم: حروف
۳۴۴.....	گفتاردوازدهم: نکات تکمیلی

سخن مؤلف

يا رب التحية و السلام ...

الحمد لله الذى جعلنا من المتمسكين بولاية اميرالمؤمنين و اولاده

المعصومين عليهم السلام

شکر خدا را که هرچه نعمت روزی ما می کند نه از روی لیاقت، بلکه به سبب ولایت و محبت محمد و آل محمد عليهم السلام نصیب ما می کند؛ چنانچه امروز نیز توفیق تألیف این اثر را تحت عنایات امیرالمؤمنین عليهم السلام روزی حقیر ساخت. یادم می آید روزی چنان در سیل کتب حوزه سردرگم و آشفته بودم که پیش یکی از اساتیدم رفتم و شرح حال خود را گفتم. یکی از گلایه‌هایم از خودم آن بود که تا نزدیک چهار سال است که کتب مختلف ادبیات عرب از صرف و نحو و بلاغت را خوانده‌ام ولی با نخواندنش هیچ فرقی نکرده است!

استاد گفتند: آیا از کتاب‌هایی که خوانده‌ای نوشته‌ای هم داری؟ گفتم: بلی نکته‌هایی را یادداشت کرده‌ام. گفتند: کتاب صمدیه را دوباره بخوان با صوت و مباحثه و سعی کن نکاتی را که ندارد از جزوه برداری‌های دیگر کتاب‌هایی که خوانده‌ای به آن اضافه کنی و از همه مهم‌تر سعی کن انگیزه‌ای قوی برای خواندن، نوشتن و گفتن پیدا کنی!

به دنبال انگیزه بودم که صفحه نخست صمدیه، انگیزه را نشانم داد... سیّما: ابن عّمّه علی بن ابیطالب عليهم السلام الذى نصیبہ علمًا للاحسان ... و واضح علم النحو لحفظ الكلام. تمام انگیزه من نه فقط برای این امر بلکه برای کل امور علی عليهم السلام و فقط علی عليهم السلام بود و تنها علی عليهم السلام بود. حال که ردپایی از معشوق در نحو دیدم؛ تا در حرم یار در ایوان نجف به توصیه‌ی

دoust عزیزم آقا سید عارف بنی صدر قرار شد این تقریرات چاپ شود تا هم ادای دینی باشد و هم نشر زکات اندک اندوختهی حقیر. باشد که مقبول واقع شود و باقیات صالحاتی برای حقیر گردد.

كتابی که پیش روی شمامست در واقع ترجمه و مجمل كتاب «المفید فی قواعد اللسان العرب» حقیر است که اصل كتاب به زبان عربی و فعلاً چاپ نشده است. كتابی است که پایه آن بر صمدیه شیخ بها است و اضافات و نکات مضاعف آن از کتبی چون شرح ابن عقیل، شرح قطر الندى و بل الصدی، مبادی العربیه، هدایه، صرف ساده، و یک سری نوشته‌های پراکنده و دیگر کتب ادبی است. مضاعف بر این كتاب که یک درسنامه عمومی محسوب می‌شود شما باید به تجزیه و ترکیب عبارات چه در قرآن چه در روایات و چه عبارات دیگر بپردازید؛ چرا که زبان عربی را فقط در حوزه عمل که همان تجزیه و ترکیب است می‌توان فراگرفت. بهمین منظور كتابی تحت عنوان تجزیه و ترکیب جزء سی ام قرآن کریم تالیف شده بود ولیکن بهدلیل آثار مشابه آن در بازار، چاپ آن را تحصیل حاصل و اسراف دانستیم. لذا برای اندوختن مضاعف و تکمیل فرآیند یادگیری تان به این کتب تجزیه و ترکیب می‌توانید رجوع کنید. کتبی مثل اعراب القرآن الکریم محیی الدین درویش، البيان فی غریب القرآن ابوالبرکات، فروغی از قرآن نشر نهادوندی و به دیگر کتب اعرابی همین نشر.

در انتهای دست تمام باغبانان این نهال کوچک علم را که پیش روی شمامست از پدر و مادر عزیزم و اساتید بزرگوارم و در رأس همه دست

وجود ذی جود حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را بابت تمام آنچه را که
هستم و تمام این هستی را از ایشان دارم می‌بوسم و این کمترین کاری
است که می‌توانم بکنم که باید محضرشان عرض کنم: یا ایها العزیز
مسنا و اهلنا الضرّ و جئنا ببضاعة مزاجة فاوف لنا الکیل و تصدق علينا
ان الله يجزى المتصدقين.

والسلام على من اتبع الهدى و رحمة الله وبركاته

١٨ / ذى الحجه / ١٤٣٨ هـ . ق

عيدالله الاکبر عيد غدير خم

سید محمدحسن روناسی

ما را که کشته لعل لبانت ابالحسن عليه السلام
بیچاره شد آنکه شنید از تو نحو را...

تقديم به ساحت مقدس يگانه ولايت مطلقه علويه
دردانه خلقت هستى
ابا العجائب اسدالله الغالب اميرالمؤمنين
علي بن ابيطالب عليه السلام
(محضر حضرتش در هر صفحه صلواتي مرحمت كنيد)
يا علي عليه السلام

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

به طور کلی ادبیات عرب مشتمل بر چهار علم است: علم نحو، علم صرف، علم بلاغت و علم لغت.

علم صرف: درباره کلمه خارج از جمله بحث می‌کند و به عبارتی کلمه را به ما هو کلمه بحث می‌کند نه از آن جهت که در کجاي جمله قرار دارد و چه نقشی گرفته است. مواردی مثل جامد و مشتق بودن در اسم؛ ماضی، مضارع و امر بودن در فعل و مبني و معنی بودن در حرف.
علم بلاغت: از یک سری قواعدی برای فصاحت بیشتر کلمه در کلام بحث می‌کند.

علم نحو: درباره کلمه داخل جمله بحث می‌کند از حیث آنکه کلمه در قالب یک جمله چگونه ترکیب می‌شود و چه نقشی می‌گیرد و اعراب انتهای آن چه می‌شود. مواردی مثل مرفع، منصوب، مجرور در اسم و مرفع و منصوب، مجزوم در فعل و عامل و غیرعامل بودن در حرف از مواردی است که کلمه در کلام از آن بحث می‌شود.
موضوع علم نحو چنان که گفته شد کلمه و کلام است.

اقسام کلمه:

اسم: کلمه‌ای است که بر معنی مستقلی دلالت کند بدون مفهوم زمان‌های گذشته، حال، آینده مانند: احسان، معلم، هذا و...
فعل: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت کند و آن معنی مقترن به یکی از زمان‌های سه‌گانه ماضی، مضارع و امر باشد. ذَهَبَ،

یَدْهَبُ، اِذْهَبْ.

حِرْف: کلمه‌ای است که بر معنای غیرمستقلی دلالت کند؛ یعنی برای دلالت کردن بر معنای خود، باید به کلمه‌ی دیگری ضمیمه شود، مثل مِن، الِی، و، اَم ...

این تقسیم بندی رایجی است که در اکثر کتب ادبی دیده می‌شود. لیکن ما اجمالا در این کتاب در باب حروف سعی کردیم مباحث مرتبه با اسم را در همان بخش و مباحث حروف مرتبه با فعل را در همان بخش مختصرانه بیان کنیم؛ علت این عمل چنین است که ما اول مفصل در المفید مباحث را اورده‌ایم ثانیا به علت گستردگی مباحث حروف و نپرداختن مفصل به آن ما به عنوان بخش مکمل همین کتاب با کتاب دیگری به نام رساله الحروف تألیف نمودیم که از همین انتشارات به چاپ رسیده است.

نکته بعدی در تألیف این اثر آن بوده است که حقیر قائل به خواندن نحو، صرف و بلاغت به صورت جداگانه نیستم؛ چراکه فraigirنده، مدت زیادی را باید صرف کند تا ارتباط این علوم را در کلمه و کلام پیدا کند. لذا جای خالی این اثر را در رساله‌ای طلبگی خود حس می‌کرم، تا به فضل خداوند متعال و حضرات اهل بیت ﷺ توانستم تا حدودی به بضاعت خود با تألیف المفید و این اثر به این مهم بپردازم. لذا فهرست بندی این اثر ادبی به‌واسطه التقاط مباحث صرفی و نحوی با دیگر کتب ادبی تا حدی متفاوت است که البته دقت بیشتری را می‌طلبد و فraigirی ادبیات عرب را به مراتب سهل‌الوصول‌تر می‌کند؛ به عنوان

مثال، اگرچه کتاب در حقیقت دارای دوبخش اصلی اسم و فعل است ولیکن در میان این دوبخش اصلی، دو بخش اعراب و اقسام جمله است که در آن‌ها تمام مباحث اسم و فعل و حرف برای فهم بیشتر آورده شده است، مباحثی که اگر هر یک در بخش مجازی آورده می‌شدند خواننده چندین بار نیاز به ارجاع به مباحث دیگر برای فهم مطلب داشت ولیکن ما برای فهم بهتر، همه‌ی آن‌ها را در یک بخش آوردیم.

پاپ اول: اسم

بخش اول: درآمدی بر اسم

اسم کلمه‌ای است که بر معنی مستقلی دلالت کند، بدون مفهوم زمان‌های گذشته، حال، آینده مانند: احسان، معلم، هذا و... **تذکرہ:** مصادر و ضمایر، اسم هستند. مصدر مانند: تعلیم، و ضمیر مانند: هو و... .

علائم مخصوص اسم: ۱- هر کلمه‌ای که دارای «ال» باشد اسم است. مانند: الكتاب، المعلم.

نکته: اسمی که دارای «ال» باشد، تنوین نمی‌گیرد.
۲- هر کلمه‌ای که دارای تنوین باشد، اسم است. مانند: كتاب، انسان
تذکرہ: «ال» و تنوین از علامات اصلی اعراب هستند.

نکته ۳: اسمی که تنوین داشته باشد، «ال» نمی‌گیرد.
نکته ۴: تنوین بر سه قسم است: تنوین ضمه ّ، تنوین فتحه َ و تنوین کسره ِ؛ تنوین نصب یعنی همان تنوین فتحه در اسم‌هایی که «ة» یا همزه «ء» در آخر نداشته باشند روی «الف» نوشته می‌شود؛ ولی تنوین کسره و ضمه بر روی آخرین حرف کلمه قرار می‌گیرند.

تلمیذ ـ---> تلمیداً تلمیذة ـ---> تلمیدةً جزء ـ---> جزءً

نکته‌ها: بعد از کم استفهامیه، همیشه یک اسم مفرد می‌آید که از نظر اعراب، منصوب است. نقش اسم منصوب بعد از کم استفهامیه،

تمییز است.

اسم تمییز = مفرد و منصوب مثال: کم رجلاً، کم لاعبَه
تذکر: کم استفهامیه را با کم خبریه اشتباه نگیرید. بعد از کم خبریه که تمییز است یا یک اسم مجرور می‌آید یا یک اسم مجرور به حرف جر مِن.

مثال: اللهم مولای کم من قبیح سترته، و کم من فادح من البلاء اقلته، و کم من عثارٍ و قیته....
(خدواندا ای جان جانان چه بسیار زشتی‌هایی که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگینی که از من دور ساختی و چه بسیار لغزش‌هایی که مرا از لغزش در آنها حفظ کردی...).

{ تمام عبارات مشخص شده "کم" خبریه هستند }.

۳- هر کلمه‌ای که دارای «ة» باشد، اسم است. مانند: کتابة، فاطمة
۴- هر کلمه‌ای که پس از حروف جر بباید، اولاً مجرور است، ثانیاً اسم است. مانند کلمه علی در عبارت «علی» یعنی به علی قسم.

تذکر: مهمترین حروف جر، عبارتند از: مِن، فِی، إِلَی، عَلَی، عَن، لِهِ ک
مانند: علی الشجرة (اسم مجرور)

۵- هر کلمه‌ای که پس از حروف ندا بباید اسم است، (یا - وا)؛
مانند: یا سیوف - و احمداء

۶- هر کلمه‌ای ساکن الوسط باشد، اسم است. مانند: قَتْلَهُ، كُفْرُهُ.
۷- هر کلمه‌ای که به «الف» و همزه ختم شود، اسم است.

مانند: زهراء، صحراء

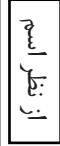
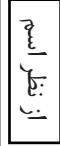
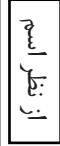
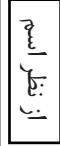
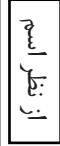
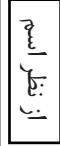
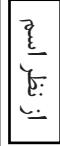
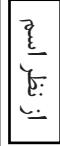
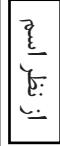
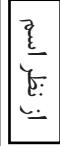
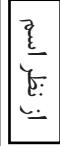
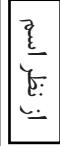
تذکر: اسمی که به «الف» و همزه ختم شود، اسم ممدود نامیده می‌شود.

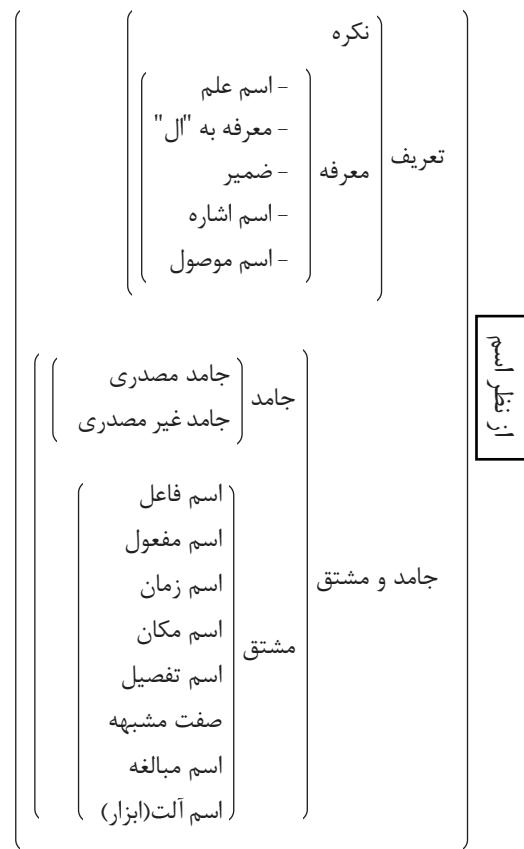
۸- مضاف (اضافه شده) مانند واژه بیت در عبارت «بیت الله» که به الله اضافه شده است.

۹- اسم مُصَغَّر: مانند: رُجَيل

۱۰- اسم مَنْسُوب: مانند: ایرانی

<table border="0"> <tr> <td style="text-align: right;">۱- «إلى»</td><td rowspan="3" style="font-size: 2em; vertical-align: middle; padding: 0 10px;">≡</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۲- تنوين</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۳- «ة»</td></tr> </table> <table border="0"> <tr> <td style="text-align: right;">۴- هر کلمه پس از حروف جر</td><td rowspan="6" style="font-size: 2em; vertical-align: middle; padding: 0 10px;">≡</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۵- هر کلمه پس از حروف ندا (یا - وا)</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۶- هر کلمه ساکن الوسط</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۷- اسمی ممدوه</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۸- مضاف (اضافه شده)</td></tr> <tr> <td style="text-align: right;">۹- اسم مصغر</td></tr> </table> <table border="0"> <tr> <td style="text-align: right;">۱۰- اسم منسوب</td><td></td></tr> </table>	۱- «إلى»	≡	۲- تنوين	۳- «ة»	۴- هر کلمه پس از حروف جر	≡	۵- هر کلمه پس از حروف ندا (یا - وا)	۶- هر کلمه ساکن الوسط	۷- اسمی ممدوه	۸- مضاف (اضافه شده)	۹- اسم مصغر	۱۰- اسم منسوب		علائم مخصوص اسم
۱- «إلى»	≡													
۲- تنوين														
۳- «ة»														
۴- هر کلمه پس از حروف جر	≡													
۵- هر کلمه پس از حروف ندا (یا - وا)														
۶- هر کلمه ساکن الوسط														
۷- اسمی ممدوه														
۸- مضاف (اضافه شده)														
۹- اسم مصغر														
۱۰- اسم منسوب														

<table border="0"> <tr> <td style="text-align: right; padding-right: 10px;">جنس</td><td style="border: 1px solid black; padding: 5px; text-align: center;">  </td></tr> <tr> <td style="text-align: right; padding-right: 10px;">تعداد</td><td style="border: 1px solid black; padding: 5px; text-align: center;">  </td></tr> </table>	جنس		تعداد		
جنس					
تعداد					
<table border="0"> <tr> <td style="text-align: right; padding-right: 10px;">منصرف: اسمی اعراب با دارا بودن شرایط اخذ تنوین</td><td style="border: 1px solid black; padding: 5px; text-align: center;">  </td></tr> <tr> <td style="text-align: right; padding-right: 10px;">غیرمنصرف: اسمی اعراب که شرایط اخذ تنوین و علامت</td><td></td></tr> </table>	منصرف: اسمی اعراب با دارا بودن شرایط اخذ تنوین		غیرمنصرف: اسمی اعراب که شرایط اخذ تنوین و علامت		
منصرف: اسمی اعراب با دارا بودن شرایط اخذ تنوین					
غیرمنصرف: اسمی اعراب که شرایط اخذ تنوین و علامت					
<table border="0"> <tr> <td style="text-align: right; padding-right: 10px;">تصrif</td><td style="border: 1px solid black; padding: 5px; text-align: center;">  </td></tr> <tr> <td style="text-align: right; padding-right: 10px;">جر را ندارد</td><td></td></tr> </table>	تصrif		جر را ندارد		
تصrif					
جر را ندارد					



نکره
تعریف
جامد

فصل اول: تقسیم‌بندی اسم از نظر جنس

مذکر: اسمی است که در عربی فعل، ضمیر، اسم اشاره و... را برایش به صورت مذکر می‌آورند.

مانند: ذَهْبٌ عَلَىٰ - هُوَ عَلَىٰ - هَذَا عَلَىٰ
اقسام اسم مذکر بر دو نوع است:

الف) مذکر حقيقی: اسمی است که بر انسان یا حیوان نر دلالت کند.
محمد - حسن - عالم - جمل - ثور

ب) مذکر مجازی: اسمی است که بر انسان یا حیوان نر دلالت نمی‌کند، اما قواعد اسم مذکر بر آن صادق است، یعنی فعل، ضمیر، اسم اشاره و... برای آن مذکر می‌آید.

مانند: قمر (ماه) - باب (در) - بیت (خانه) و...

مونث: اسمی است که در عربی، فعل، ضمیر و اسم اشاره و... را برایش به صورت مونث می‌آورند.

اقسام اسم مونث بردو نوع است:

الف) مونث معنوی حقيقی: اسمی است که بر انسان یا حیوان ماده دلالت می‌کند. مانند: مریم - بنت - بقره.

ب) مونث معنوی مجازی: اسمی است که بر انسان یا حیوان ماده دلالت نمی‌کند، اما قواعد اسم مونث در آن صدق می‌کند.
مانند: سجدة - مزرعة

نکته: موارد زیر در حکم اسم مونث معنوی مجازی هستند:

۱- جمع مكسر غیر انسان. مانند: نجوم - مساجد

۲- اعضای زوج بدن.

مثال: يد (دست) - رجل (پا) - عین (چشم) - أذن (گوشی)

۳- اسمی شهرها: تهران - ایران

۴- اسمی قبایل: بنی هاشم

۵- اسمی معروف به مونث معنوی مجازی (سماعی): نار - شمس - دار - ریح - نفس - بشر - عصا - سماء - حرب - فعل - جهنم

ج) مونث لفظی: هرگاه اسم مذکر حقیقی، دارای علامت مونث باشد، به آن اسم مونث لفظی گویند که با آن باید به عنوان یک اسم مذکر برخورد کرد؛ یعنی فعل - ضمیر - اسم اشاره و... برای آن مذکر می‌آیند.
مانند: موسی - ذکریا - یحیی - معاویة - اُسامه - طلحه.

نکته: هرگاه اسم مذکر حقیقی، دارای علامات مونث باشد، به آن اسم مونث لفظی گویند که با آن باید به عنوان یک اسم مذکر برخورد کرد.
مانند: موسی - ذکریا - معاویة - حمزه

علامت‌های اسم مونث

اسم مونث، دارای سه علامت است:

۱- ة مدوره: تلمیذة - شجرة

۲- الف و همزه ممدودة: زهراء - صحراء

۳- الف مقصوره (ى - ا): موسی - دنيا - كسرى

نکته: در صورتی یک اسم مونث به حساب می‌آید که علامات فوق زائد بر کلمات باشند. برای تشخیص اینکه علامات فوق زائندند یا جزء حروف اصلی به روش ذیل عمل می‌کنیم: علامات فوق را از آخر کلمات

برمی‌داریم. اگر سه حرف باقی بماند، علامات فوق زائند؛ در نتیجه اسم مونث است، ولی اگر کمتر از سه حرف باقی بماند، علامات فوق، جزء حروف اصلی کلمه هستند؛ در نتیجه، اسم مذکور است.

مثال: هدی ← مذکور صغیری ← مؤنث حیاء ← مذکور

فصل دوم: تقسیم‌بندی اسم از جهت تعداد

۱- اسم مفرد

اسمی را گوییم که بر یکی بودن دلالت کند، مانند: کتاب

۲- اسم مثنی

اسمی را گوییم که بر دو تا بودن دلالت کند، مانند: کتابان یعنی دو کتاب
علامت اسم مثنی: ان و ین است.

به این نکته توجه شود که حرکت حرف قبل از «ی» فتحه است.

تذکر: «ن» اسم مثنی همیشه حرکت کسره می‌گیرد،

مانند: معلمان ← معلمین

نکته: هرگاه اسم مفردی حرکت آخرش مرفوع باشد ــ، هنگامی که به صورت مثنی درآید ان می‌گیرد، به بیان دیگر حرف «الف» در اسم مثنی نشانه رفع است.

القلم ← القلمان

نکته: هرگاه اسم مفردی حرکت حرف آخرش منصوب ــ یا مجرور باشد هنگامی که به صورت مثنی درآید «ین» می‌گیرد؛ به عبارت دیگر حرف «ی» در اسم مثنی، نشانه نصب یا جر است.

مانند: كتاباً ← كتابين

نکته: اسمی مقصور ثلثی با تبدیل الف مقصوره به اصلش، مثنی می‌شوند. مانند: عصا ← عصوان

و در اسمی بیشتر از ثلثی، الف مقصوره به یاء تبدیل می‌شود.

مانند: مصطفی ← مصطفیان

نکته: اسمی منقوص با یاء خود مثنی می‌شوند و چنانچه یاء آنها حذف نیز شده باشد یاء آنها بر می‌گردد و مثنی می‌شود.

مانند: راعي ← راعيان

نکته: در اسمی ممدود همزه انتهایی اسم تبدیل به واو می‌شود و مثنی می‌شود. مانند: حضراء ← حضراء

نکته: «ان» و «ین» زمانی علامات اسم مثنی هستند که جزء حروف اصلی کلمه نباشند ولی اگر جزء حروف اصلی باشند مثنی نیستند.

لقمان ✅
علماني ✅

نکته: کلماتی مانند: قمران - والدان - ابوان - حسنان - قمرین - والدين - ابوبن - حسنين ملحقات اسم مثنی هستند.

۳- اسم جمع مذكر سالم

هرگاه بخواهیم اسم مذکری را جمع ببندیم ون - ین اضافه می‌کنیم. به این نکته توجه کنیم که حرکت حرف قبل از «ی» در جمع مذکر سالم، کسره است.

تذکر: حرکت حرف «ن» در جمع مذكر سالم، همیشه فتحه است.

نکته: هرگاه اسم مفردی، حرکت حرف آخرش، مرفوع باشد و بخواهیم

آن را به صورت جمع بیاوریم، به آخرش (ون) اضافه می‌کنیم؛ به عبارت دیگر، حرف «واو» در جمع مذکر سالم، نشانه رفع است.

نکته: اگر اسم مفردی حرکت حرف آخرش منصوب یا مجرور باشد و بخواهیم آن را جمع ببندیم به آخرش «ین» اضافه می‌کنیم. به عبارت دیگر حرف «ی» در اسم جمع مذکر سالم، نشانه نصب یا جر است.

نکته: «ن» اسم مثنی و جمع مذکر سالم در حالت اضافه (اضافه شدن) به اسم و ضمیر، حکم تنوین را دارند؛ بنابراین باید حذف شوند. به طور کلی، اسم مثنی و جمع مذکر سالم در حالت اضافه (مضاف واقع شدن) نه «ال» می‌گیرند و نه «ن».

مانند: مسلمی^{المدینه} ← جمع: مسلمین + المدینة
مسلمی^{المدینه} ← مثنی: مسلمین + المدینه

قال رسول الله ﷺ: انا و علی^{ابوا هذه الامة}.^۱ (من و علی^{پدران این امت هستیم})

{در اینجا کلمه ابوا در حقیقت ابوان بوده است که با مضاف واقع شدن ن مثنی آن حذف شده است؛ چرا که در حالت اضافه، اسم نه ال می‌گیرد و نه تنوین؛ چون ن مثنی، ن عوض از تنوین است و در حالت مضاف واقع شدن حذف می‌شود}

شرایط جمع مذکر سالم عبارتند از:

۱- اسم عاقل باشد؛ ۲- اسم عَلَم باشد؛ ۳- اسم مذکر باشد؛

۱- حدیثی که شیعه و سنتی آن را نقل کرده‌اند:
بحار الانوار ج ۳۶ ص ۵ / عيون الاخبار الرضا ج ۲ ص ۸۶ / ينابيع المودة ص ۱۴۶

۴- دارای ۀ نباشد؛ ۵- مرکب نباشد، یعنی دو جزئی نباشد.

نکته: بعضی از اسمای در عربی با اینکه شرایط جمع مذکر سالم را ندارند ولی به صورت جمع مذکر سالم می‌آیند. این اسمای را به دلیل فقدان شرایط جمع مذکر سالم به آنها، ملحق به جمع مذکر سالم می‌گویند (ملحقات جمع مذکر سالم) این اسمای عبارتند از:

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- عالَمُونَ - عالَمِينَ (جمع عالَم) | ۸- عَلَيَّوْنَ - عَلَيَّينَ |
| ۲- علویون (جمع علوی) | ۹- أَرْضُونَ - أَرْضِينَ (جمع أَرض) |
| ۳- اهلاَنَ - اهليَّنَ (جمع اهل) | ۱۰- بَنُونَ - بَنِينَ (جمع ابن) |
| ۴- سنون - سَنِينَ (جمع سنة) | ۱۱- عَشْرُونَ - عَشْرِينَ |
| ۵- ثلاثون - ثلائين | ۱۲- أَرْبَعُونَ - أَرْبِيعَينَ |
| ۶- خمسون - خمسين | ۱۳- سَبْعُونَ - سَبْعِينَ |
| ۷- ثمانون - ثمانين | ۱۴- تَسْعُونَ - تَسْعِينَ |

نکته: برای اسمای مقصور به همان ترتیب که در اسمای مثنی گفته شد عمل می‌شود و در انتهای فتحه جمع را به اسم می‌دهیم.
مانند: مصطفی → مصطفون

در اسمای منقوص، ی حذف می‌شود و علامت جمع به اسم اضافه می‌شود. مانند: قاضی → قاضون

در اسمای ممدود نیز به همان ترتیب در اسمای مثنی عمل می‌کنیم و علامت جمع را به انتهای اسم اضافه می‌کنیم. مانند: حمراء → حمراون
۴- اسم جمع مونث سالم

هرگاه بخواهیم اسم مونثی را جمع بیندیم به آخرش «ات» اضافه

می‌کنیم.

نکته: اسم‌هایی که با «ات» جمع بسته می‌شوند، عبارتند از:

۱- اسم علم مونث مانند: فاطمة ← فاطمات

۲- اسم عام مونث مانند: نعمة ← نعمات

۳- مصادری که بیش از سه حرف دارند. مانند: احترام ← احترامات

۴- اسم‌های غیرعربی که در زبان عربی وارد شده‌اند.

مانند: دلار ← دلات

ایال ← ایالات

نکته: هرگاه اسم مونثی «اءء» داشته اشد هنگام جمع بستن با «ات» همزه به واو تبدیل می‌شود.

مانند: صحراء ← صحروات

سماء ← سماوات

نکته: کلمات «ابيات، اصوات، اوقات، اموات» جمع مذکراند نه جمع مونث؛ زیرا حرف «ت» در آنها، جزء حروف اصلی می‌باشد.

۵- جمع مكسر

جمعی است که شکل مفرد آن بدون تغییر باقی نمی‌ماند بلکه این جمع با ایجاد تغییراتی در شکل مفرادش به وجود آمده و هیچ قاعده و قانون خاصی ندارد.

تقسیم‌بندی جمع مكسر

الف) جمع مكسر عاقل: جمع مكسری را می‌گوییم که بر انسان دلالت کند. مانند: رجال - تلامیز

نکته: برای جمع‌های مكسر عاقل، فعل را می‌توان هم به صورت مذکر و هم به صورت مونث آورد. مانند: جاءات التلامیز ← جاء التلامیز

ب) جمع مكسر غیرعاقل: جمع مكسری را می‌گوییم که بر غیر انسان دلالت می‌کند. مانند: مساجد، مکاتب و...

نکته: هرگاه اسم مفردی بر وزن مفعَل باشد، جمع مكسرش بر وزن مفاعِل می‌آید. مانند: مطبخ ← مطابخ مکتب ← مکاتب

نکته: هرگاه اسم مفردی بر وزن مفعول باشد، جمع مكسرش بر وزن مفاعیل است. مانند: مکتوب ← مکاتیب مشهور ← مشاهیر

نکته: برای جمع‌های غیرانسان، باید فعل، ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول، صفت و حال مفرده به صورت مفرد مونث بیاید، زیرا جمع‌های غیرانسان در حکم مفرد مونث‌اند.

مانند: هذه المساجد (غيرانسان) الجميلة
كتبت التمارينات (غيرانسان ذو الحال) واضحةً (حال مفرد مونث)
الامور (غيرانسان) التي (مفرد مونث)

تذکر: برخی کلمات در عربی دو جمع مكسر دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نفس ← انفس - نفوس اخ ← اخوان - اخوة

جندی ← جنود - جند وارث ← وراث - ورثة

عين ← اعین - عيون عزيز ← اعزاء - أعزة

۶- اسم جمع

اسمی را می‌گوییم که از جهت لفظی مفرد باشد ولی از جهت معنا بر جمع بودن دلالت کند.

مانند: ناس، قوم، قبیله، امة

نکته: اسمی جمع در حکم اسم مفرد هستند؛ لذا فعل، اسم اشاره، ضمیر، اسم موصول، صفت، حال مفرد و... برای آنها به صورت مفرد مونث می‌آید. مثال:

قال رسول الله ﷺ حق علیٰ علیٰ هذه الامة كحق الوالد على ولده
(حق علیٰ ﷺ براین امت همچون حق پدر بر فرزندش است)
تكل امة قد خلت^۲

(هم اسم اشاره و هم فعل برای امة به صورت مفرد مونث آمده است)

۷- اسم جمع الجمع (منتھی المجموع)

شامل نه عدد و بیشتر از آن است یعنی حداقل سه جمع است که برای تکرر افراد یک جمع به کار برد ه می‌شود. مانند: آیدی → آیدی

فصل سوم: تقسیم بندی اسم از جهت تصویریف

اسم منصرف: اسمی است مُعرب که شرایط گرفتن تنوین را دارد
مانند: تلمیذاً - تلمیذُ - تلمیذٰ

اسم غیرمنصرف: (ممنوع من الصرف - ما لا ينصرف) اسمی است معرب که نمی‌تواند تنوین و جر بگیرد. مهم‌ترین اسم‌های غیرمنصرف عبارتند از:

۱- اسم عَلِم مونث. مانند: معاویه - زینب - فاطمة

۲- اسم عَلِم مذكر غیرعربی (عجمی).

مانند: یوسف - ابراهیم - اسماعیل - یعقوب

۱- امامی شیخ طوسی ص ۵۴

۲- بقره ۱۴۱

نکته: اسم عربی به اسمی گویند که اوّلاً: ریشه فعلی دارد (سه حرف اصلی بر وزن فَعَلَ)، ثانیاً: منصرف محسوب می‌شوند.

مانند: محمد ← حَمَدَ جواد ← جَوَادَ علی ← عَلَيْهِ

نکته: اسمی پیامبران همگی غیرمنصرفاند ولی هفت نام هستند منصرف محسوب می‌شوند که عبارتند از: محمد - شعیب - شیث - نوح - هود - لوط - صالح

۳- اسمی شهرها و کشورها. مانند: اصفهان - ایران و...

نکته: مکه و مدینه، اسم عام و به معنی شهرند و منصرف محسوب می‌شوند.

۴- صفت بر وزن افعل - فُعلی. مانند: اکبر، کبری

۵- صفت بر وزن فعلان (عطشان) - فَعَلَاء (صراء) - فَعلی (عطشاء)

تذکر: کلمه آخر (به فتح خ) به معنای دیگر غیرمنصرف است ولی کلمه آخر (به کسره خ) به معنای پایان منصرف است.

۶- هرجمع دیگر مکسری که سومین حرف آن الف باشد و بعد از الف، دو یا سه حرف آمده باشد، غیرمنصرف است. مانند: مساجد - قوانین - مدارس - سواد - اساطیر - شیاطین بر وزن‌های: مفاعل - مفاعیل - افعال - افاعیل -

۷- اسم‌های علم که به «ان» ختم می‌شوند و «ا» و «ن» آن‌ها زائد است، غیرمنصرفاند. مانند: عثمان - شعبان - لقمان - رمضان

۸- اسم‌های ممدود که «ا» و همزة آن‌ها زائد باشد. صراء - حمراء - بیضاء

نکته: اسم غیرمنصرف از آنجایی که معرب است و باید اعراب بگیرد

و در حالت جر نمی‌تواند مکسور واقع شود لذا در مواردی که قرار است علامت جر پذیرد و نمی‌شود؛ به جای کسره، فتحه می‌گیرد.
نکته: اسم غیرمنصرف هنگامی که مضاف واقع شود یا ال بگیرد می‌تواند کسره بگیرد.

بخش دوم: اسم معرفه و نکره

اسم نکره: اسمی است که نزد مخاطب ناشناخته و نامشخص باشد
پس هر اسم عام که در آخرش تنوین باشد، نکره است ^۱
اسم عام: اسم عام اسمی است که همه افراد هم نوع یا همجنیش را شامل می‌شود. در زبان عربی به اسم عام، اسم جنس نیز می‌گویند.
مانند: أَرْضُ (نکره عام مبني)، أَرْضٌ (نکره عام مبني)، أَرْضاً (نکره عام مبني)
نکته: اسامی استفهام و شرط نکره‌اند؛ مانند: كیف - مَن - ما - متى و...
نکته: علامت نکره در عربی تنوین است ولی در فارسی (ی و یک) است. لذا به هنگام ترجمة عربی به فارسی و بالعکس به این نکته توجه کنیم؛ مانند: معلم يعنی معلمی یا یک معلم

اسم معرفه: اسمی است که نزد مخاطب شناخته شده باشد.

اقسام اسم معرفه

اسم معرفه بر شش قسم است.

معارف شش بود مضمر اضافه علم ذواللام و موصول و اشاره

۱- اسم عَلِيم (خاص)

۲- اسم معرفه به «ال»

۳- ضمیر

۴- اسم اشاره

۵- اسم موصول

۶- معرفه به اضافه

فصل اول: ضمائر

تعريف: ضمير کلمه‌ای است که جانشین اسم «علم» یا اسم ظاهر می‌شود.
ضمیر بر دو نوع است: منفصل و متصل.

۱- منفصل: ضميری است که جدا از فعل نوشته شود و بر دو قسم است: ۱- رفعی (در جمله معمولاً مبتدا و محلًا مرفوعاند) ۲- نصبی (در جمله مستقل به کار می‌روند)

۲- متصل: ضميری است که پیوسته به فعل است و بر سه قسم است:
۱- رفعی. ۲- نصبی. ۳- جری (اتصال به فعل، اسم و حرف)

نکته: ضمير فصل (عماد) ضمير منفصل مرفوعی است که بین مبتدا و خبر یا آنچه در اصل مبتدا و خبر بوده است، می‌آید. مثل آنکه بین اسم افعال ناقصه و خبر این افعال باید و یا بین، اسم حروف مشبه بالفعل و خبر این حروف قرار بگیرد. شرط است ضمير فصل هنگامی در جمله باید که مبتدا و خبر هر دو معرفه باشند. این ضمير از نظر جنس و عدد با مبتدا یا آنچه که در اصل مبتدا بوده مطابقت دارد.

تذکر: ضمير فصل اولاً برای تشخیص خبر از صفت می‌آید. ثانیاً تأکید را می‌رساند که در ترجمه آن باید از کلمات تنها، فقط و همان استفاده کنیم. ثالثاً ضمير فصل، محلی از اعراب ندارد، یعنی نه مرفوع است نه منصوب است و نه مجرور.

الله هو (ضمیر فصل یا عmad که محل از اعراب ندارد). الغفور
آن التلميذ هو (ضمیر فصل یا عmad که محلی از اعراب ندارد). الناج

قال رسول الله ﷺ والذی نفسی بیده ان علیاً وشیعته هم الفائزون^۱ (در این جمله واژه «هم» ضمیر فعل یا عمامد، موكد کلام و مبني است، و محلی از اعراب ندارد).

(به خدایی که جانم در دست اوست، همانا تنها علی وشیعیانش از رستگارانند) {نقل به تواتر از شیعه وسنی}

نکته: کلماتی که مُسند واقع می‌شوند و فقط جنس و عدد هستند مسندالیه را نشان می‌دهند و چندم شخص آن‌ها را تعیین نمی‌کند؛ لذا در اینگونه موارد، همواره می‌توان هریک از صیغه‌های غائب، مخاطب و متکلم را به کار برد؛ مگر آنکه قرینه آن را محدود کند.

ضمایر منفصل مرفوع:

جمع مونث	جمع مذكر	مثنی مذكر و مونث	فرد مونث	فرد مذكر	صیغه
هنَّ	هم	هما	هي	هو	غائب
انتَنَّ	انتم	انتما	انتِ	انتَ	مخاطب
نحن	نحن	نحن	انا	انا	متکلم

ضمایر منفصل منصوب

این ضمایر در جمله مستقل به کار می‌روند. این ضمایر در هر جای جمله قرار گیرند، نقش آنها مفعول^۲ به و محلًا منصوب‌اند. دقت کنیم که جملاتی که با این ضمایر آغاز می‌شوند، اولاً جمله فعلیه هستند. ثانیاً

این ضمایر در جمله، تأکید را می‌رسانند؛ بنابراین در ترجمه آن‌ها باید از کلمات تأکیدی استفاده نمود. (فقط، تنها و...)

نکته: ضمایر منفصل منصوب با کلمه «ای» آغاز می‌شوند. مانند: ایاک نعبد (جمله فعلیه) (مفهول به محلًّا منصوب)

نکته: ضمایر مخاطب منفصل نصبی در جمله می‌توانند از علائم اسلوب تحذیر باشند. اسلوب تحذیر آن است که گوینده جمله خود را به گونه‌ای مطرح کند که در این حالت مخاطب خود را نسبت به چیزی هشدار دهد. مانند جمله ایاک واکذب یعنی از دروغ بپرهیز. در اسلوب تحذیر همیشه از این ضمایر استفاده می‌کنیم که ضمیر منفصل نصبی را «محذور» و اسم بعد از آن را «محذّرمنه» می‌نامیم. بنابراین در مثالی که مطرح شد ایاک (محذّر - مفعول به و منصوب) و الکذب (محذرمنه - معطوف عامل آن فعل محذوف احذّر)

جمع مونت	جمع مذکر	مثنی مذکر و موئث	مفرد موئث	مفرد مذکر	صیغه
ایّاهنَ	ایّاهم	ایّاهما	ایّاهها	ایّاه	غائب
ایّاکنَ	ایّاکم	ایّاکما	ایّاک	ایّاک	مخاطب
ایّانا	ایّانا	ایّانا	ایّا	ایّا	متکلم

ضمایر متصل: این ضمایر در جمله، همراه کلمه بعد از خود به کار می‌روند (اسم، فعل، حرف) و بر دو نوع‌اند:

۱- ضمایر متصل رفعی

این ضمایر همیشه همراه فعل به کار می‌روند و اگر با فعل معلوم به کار روند، فاعل و محلًاً مرفوع‌اند و اگر با فعل مجھول به کار روند، نایب فاعل و محلًاً مرفوع‌اند و اگر با افعال ناقصه به کار روند (کلن، صار و...) اسم افعال ناقصه و محلًاً مرفوع‌اند. این ضمایر عبارتند از:

صیغه	مفرد مذکور	مفرد مونث	مثنی مذکور و مونث	جمع مذکور	جمع مونث
غائب	مستتر	مستتر	ا	و	ن
مخاطب	ت	ت	تِ	تُم	تَنْ
متکلم	تُ	تُ	تُ	نا	نا

نکته: ضمایر ت - تما - تم - ت - تُ - تَنْ مخصوص فعل ماضی هستند.

نکته: ضمایر ا، و، ن میان فعل ماضی و مضارع و امر مشترک‌اند.

نکته: ضمیر «ی» مخصوص فعل مضارع و فعل امر است. (صیغه للمخاطبه).

نکته: تاء تانیث ساکنه «تُ» ضمیر نیست؛ بلکه نشانه مونث بودن فاعل، نایب فاعل و اسم افعال ناقصه است.

نکته: هرگاه آخر فعل، ساکن باشد (چه ماضی، چه مضارع و چه امر) و بعد از فعل، اسم «ال» دار باید، برای از بین بردن ساکن، کسره به حرف آخر فعل می‌دهیم که به آن «كسره عارضی» (نمایشی) می‌گویند.

ذهبِ التلمذة

(برای دفع التقای ساکنین برای هر موردی که باشد کسره می‌دهیم).

۲- ضمایر متصل نصبی یا جری

این ضمایر با هرسه نوع کلمه (اسم، فعل، حرف) به کار می‌روند و نوع آن‌ها (نصبی یا جری) به کلمه‌ای که بدان متصل می‌شوند، بستگی دارد.

به این ترتیب که:

الف) اگر این ضمایر به فعل متصل شوند، اولاً نصبی بوده و ثانیاً نقش آنها مفعول^۱ به و محل^۲ منصوب‌اند.

ب) اگر این ضمایر با حروف مشبه به کار روند، (آن، آن و لاکن، لیت، لعل و...) همچنان نصبی هستند و نقش آن‌ها اسم حروف مشبه و محل^۳ منصوب‌اند.

ج) اگر این ضمایر با اسم و حروف جر به کار روند، جری هستند و نقش آن‌ها با اسم، مضاف‌الیه و محل^۴ مجرور و با حرف جر، جار و محل^۵ مجرور هستند.

نکته: تمامی ضمایر معرفه‌اند.

نکته: ضمایر متصل نصبی و جری عبارتند از:

جمع مونث	جمع مذکر	مشنی مذکر و مونث	مفرد مونث	مفرد مذکر	صیغه
هُنَّ - هِنَّ	هُمْ - هِمْ	هُما - هِما	ها	هُ - هِ	غائب
كُنَّ	كُمْ	كُما	كِ	كَ	مخاطب
نا	نا	نا	ي	ي	متکلم

مثال: يعلمه (فعل + ضمير متصل نصبي محلًا منصوب); إنك (حروف مشبه بالفعل + ضمير متصل نصبي); كتابك (اسم + ضمير متصل، مضافق إليه محلًا مجرور); فيك (حرف جر + ضمير متصل، جار و مجرور محلًا مجرور) است.

نکته: «ن» وقايه: «نِ» مكسوري است که از تغيير حركت حرف آخر کلمه جلوگيري می کند. دقت شود در هنگام اتصال فعل به ضمير متکلم وحدة «ي» ميان فعل و ضمير «ي» از «ن» وقايه استفاده می کنيم. مانند: ضربني - اضربني - يضربني

نکته: هنگام اتصال حروف مشبهه بالفعل به ضمير متکلم وحدة «ي»، ميان آنها «ن» وقايه می آوريم. مانند: ليت ← ليتنى

نکته: هنگام اتصال دو حرف جر «من و أن» به ضمير متکلم وحدة «ي»، نيز ميان آنها «ن» وقايه می آوريم: عنى - منى
نکته: بقيه حروف جر، هنگام اتصال به ضمير متکلم وحدة «ي»، نيازي به «ن» وقايه ندارند. همچنين هنگام اتصال اسم به ضمير وحده «ي»، نيازي نيسست از «ن» وقايه استفاده کنيم.

نکته: ضمير «نا» با فعل يا نصبي است يا رفعي، که برای تشخيص رفعي يا نصبي بودن آن باید به نکات ذيل توجه نمود:

۱) ضمير «نا» اگر با فعل مضارع و فعل امر به کار رود (امر حاضر) اولاً نصبي است ثانياً نقش آن مفعول و محلًا منصوب است.
مثال: ينصرنا (مضارع) أنصرنا (امر) يعلّمنا (مضارع) علّمنا (امر) = نصبي مفعول به محلًا منصوب.